



سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۸ بهار ۱۴۰۲

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

واکاوی مؤلفه‌های بیداری اسلامی در شعر سعید معتوق

مهوش حیاتی^۱، دکتر رسول بلاوی^۲ دکتر محمدجواد پورعابد^۳ دکتر علی خضری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۵۱ تا ص ۷۲)



[20.1001.1.27834166.1402.6.1.3.0](https://doi.org/10.27834/166.1402.6.1.3.0)

چکیده

شاعران معاصر برخی از سروده‌های خود را به مبحث بیداری اسلامی اختصاص داده‌اند و یکی از مسائلی که امروزه سطح گسترده‌ایی از فضای جهانی بخصوص کشورها و جوامع اسلامی به آن توجه ویژه‌ای دارند، شناخت دقیق ابعاد مختلف جریان بیداری اسلامی به عنوان اندیشه‌ای نوپا که در دهه‌های اخیر مطرح شده است. سعید معتوق از شاعران نوظهور معاصر است که از شعر به عنوان گونه‌ی ادبی رسا جهت بیان اندیشه‌ها و عقاید خود و فراگیری بیداری اسلامی و نبوغ این بیداری به عنوان آرمانی والا در جامعه خود از مؤلفه‌های بسیار تاثیرگذار کمک گرفته که مبتنی بر ارزش‌های اصیل و تبیین هویت ملی، مسیر رسیدن ملت مسلمان را به سعادت اخروی هموار می‌کند. این پژوهش به این مسئله پاسخ می‌دهد که چه مؤلفه‌هایی در جهت تقویت همه جانبه جنبش بیداری در تاریخ تمدن اسلامی در شعر شاعر اماراتی سعید معتوق جریان دارد. برای واکاوی این مؤلفه‌ها از روش توصیفی تحلیلی و با استناد بر مطالعات کتابخانه‌ای و تکنیک تحلیل و تجزیه محتوا استفاده شده است و برای پاسخ به این مؤلفه‌ها در قدم اول مؤلفه‌های بیداری اسلامی در شعر سعید معتوق و در قدم دوم انواع راهکارها و بارزترین آن‌ها تبیین شده است. و در

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. // hayatimh1400@gmail.com

^۲. استاد دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول) // r.ballawy@pgu.ac.ir

^۳. دانشیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. // m.pourabed@pgu.ac.ir

^۴. دانشیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. // alikezri@pgu.ac.ir



قدم سوم با بهره‌گیری از مضامینی همچون خدا محوری، وطن خواهی، تمجید شهادت طلبی، ستیز با ستم و ستم گر، بهره‌گیری از نماد و تلمیحات دینی طبق اشعار شاعر و اشارات او به آیات و روایات بیان شده است و توانسته فضای سیاسی و اجتماعی ملتش و کشورهای اسلامی را در مسیر عبودیت و بیداری و تقویت عزم و اراده آنها در مقابله با ستیز قاطع استعمارگران به خوبی به تصویر بکشد.

کلید واژه‌ها: ادبیات معاصر، بیداری اسلامی، شعر عربی، سعید معتوق.

۱. مقدمه

ادبیات فارسی و عربی از پربرترین ادبیات جهانی در زمینه انواع گونه‌های ادبی مختلف تلاش‌های موفقیت آمیزی در تاریخ داشته‌اند. هنگامی که به بن‌مایه‌های مختلف آثار آنها توجه می‌شود با انواع ادبی مختلف در مضامین بیداری و مقاومت رو به رو می‌شویم. در این حوزه شعر به عنوان اثری شاخص در کنار دیگر گونه‌های ادبی نقش بارزی در پویایی و تحرک اندیشه نوین اسلامی داشته و این نوع گونه ادبی در تلاش است که پیشینه ملل مختلف را در جریان‌های بحرانی گذشته و موجود در جوامع مختلف را بررسی کرده و بهترین راهکار را در جهت بیداری اندیشه‌ها ارائه دهد، تا مواضع اسلام در رابطه با شناخت تمام عوامل و اسباب روشنگری و بیداری جبهه اسلامی را بیان کند و به طور مستمر سعی بر این دارد ملت مسلمان را نسبت به مسائل مختلف کوچک و بزرگ آگاه سازد.

بیداری اسلامی که در سال ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد و به بسیاری از کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا سرایت کرد این جریان در ادبیات کشورهای مختلف عربی تأثیر چشم‌گیری داشت و باعث شد شاعران را به سرودن اشعاری سوق دهد که بازتاب اوضاع سیاسی و اجتماعی جوامع استکبار ستیز و بیان‌کننده اوضاع نابسامان کشورهای اسلامی است و می‌توان آن را به عنوان اساسی‌ترین پایه اسلام فرض کرد که هر ملت مسلمانی به عنوان ابزاری در راستای مقابله با متجاوزان و استعمارگران و رسیدن به جامعه‌ای منسجم، خدامحور، پایدار و مردمی در تلاش برای رسیدن به آن است. آیت الله خامنه‌ای راجع به این موضوع چنین بیان می‌کند: «بیداری اسلامی ملت‌ها را نجات خواهد داد به همین خاطر که امروز هوشمندترین انسانها در کشورهای مختلف به خط اسلام به همان راهی که قرآن به آنها نشان می‌دهد رو آورده‌اند چون راه عزت و راه نجات است» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۰) و مردم مسیر بیداری را به عنوان ستونی جهت حرکت به سوی خواسته‌های خود قرار دادند.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش در این مقاله را می‌توان ذیل این سؤالات خلاصه کرد:

- بارزترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی در شعر سعید معتوق کدامند؟

- شاعر از چه راهکارهایی جهت رسیدن به جامعه‌ای بیدار استفاده کرده است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه مؤلفه‌های بیداری اسلامی پژوهش‌های بسیاری انجام شده اما در مورد مؤلفه‌های بیداری در شعر سعید معتوق پژوهشی انجام نشده است. در ذیل به برخی از پژوهش‌هایی که در راستای بیداری اسلامی انجام شده اشاره می‌شود:

- نسیم کریمی ده‌چی در پایان‌نامه «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در خاورمیانه» (۱۳۹۲ش) از دیدگاه‌ها و نظریه‌های امام خمینی (ره) بهره‌جسته و به دسته‌بندی مؤلفه‌های مختلف بیداری و شرح و تعریف هر کدام جداگانه پرداخته و فصلی از پایان‌نامه خود را به آن اختصاص داده است.

- معصومه ابراهیمیان سعیدآبادی در پایان‌نامه «مؤلفه‌های جنبش بیداری اسلامی از منظر قرآن و روایات» (۱۳۹۲ش) جنبش بیداری اسلامی را از دیدگاه قرآن و رهنمودهای ائمه و پیامبران بررسی کرده و دستاوردها و راهکارهای این جنبش جهت رسیدن به موفقیت را بازگو کرده است.

- زهرا میرزا ثمری در پایان‌نامه خود با عنوان «بیداری اسلامی در بحرین» (۱۳۹۳ش) بحران و تحولات مختلف در کشور بحرین پرداخته و به بازتاب انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی بحرین تاکید کرده و ساختار سیاسی و تاریخی کشور بحرین و جنبش‌های مختلف در آن اشاره می‌کند.

- عبدالصاحب نوروزی در پایان‌نامه «بررسی و تحلیل ساختار و مضمون شعرعربی بیداری اسلامی دهه نود شمسی» (۱۳۹۵ش) نویسنده به بیان آرزوهای ملت عربی پرداخته و هدفش بیان اهداف و تأثیر آثار ادبی آن‌ها بر دیگر اندیشه ملل مختلف بوده که به تفصیل آن را شرح می‌دهد.

- عبد الله حسینی و دیگران در مقاله «بیداری اسلامی، مردمی در اشعار فرخی و شابی» در نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۲۶، (۱۳۹۲ش) به مقاومت و بیداری در اشعار این دو توجه شده است. و از شعر به عنوان سلاحی قوی یاد می‌کند که در بیداری اسلامی نقش بارزی داشت.



-کیامرث جهانگیری و حسین ملکی در مقاله «بیداری اسلامی: ریشه‌ها و زمینه‌ها» در فصلنامه سیاست، شماره ۲، (۱۳۹۴ش) به ریشه‌یابی بیداری و دلایل مختلف آن توجه کرده‌اند و به تلاش مستمر مردم در کشورهای تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن و در شکلی محدودتر در عربستان از چندین دهه قبل پرداخته‌اند.

-اصغر افتخاری و احسان نادری در مقاله «تاثیر بیداری اسلامی بر آینه نظام سیاسی عربستان» در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲، (۱۳۹۵ش) نویسندگان به آثار بیداری اسلامی بر آینده حکومتی عربستان توجه کرده و از لحاظ مکانی غرب آسیا بخصوص کشور عربستان و ابعاد مختلف آن را بررسی کرده‌اند.

-علی دارابی در مقاله «النهضة و فرایند بیداری اسلامی در تونس؛ از اسلام‌گرایی در مبارزه تا تجربه عملی حکومت ری» در فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱، (۱۳۹۹ش). هدف نویسنده در این مقاله نگاه به تغییرات و تحولات جنبش النهضة حزبی وطن خواه بعد از انقلاب تونس و نحوه شکل‌گیری تحولات آن توجه کرده است.

-اسماعیل نادری و دیگران در مقاله «تجلی بیداری اسلامی در شعر معاصر لبنان مطالعه موردی: شعر مصطفی غلایینی» در مجله مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۳، (۱۴۰۰ش) به واکاوی در شعر غلایینی پرداخته و گفتگو در مورد جوانان کشور و به مقاومت و شهادت توجه داشته‌اند و آن‌ها را به عنوان نیروی سازنده در پیشرفت یک ملت معرفی می‌کنند. پژوهشگر در این پژوهش سعی بر این دارد که به واکاوی مولفه‌های بیداری اسلامی به عنوان موضوعی تازه که تاکنون در مورد آن پژوهشی صورت نگرفته است بپردازد.

۳-۱. نگاهی به زندگی و آثار سعید معتوق

سعید معتوق شاعر و دانشمند علم عروض در سال ۱۹۷۵ م در شهر شارجه کشور امارات متحده عربی دیده به جهان گشود و در سال ۱۹۹۳ مدرک دیپلم دریافت کرد. او از ۱۵ سالگی شروع به سرودن شعر کلاسیک کرد و در تعدادی از شب شعر و نقد شرکت کرد و در انجمن ادباء و نویسندگان امارات و در سایت‌های ادبی الکترونیکی آن عضو بود. از جمله آثارش دواوین نای حیاتی، نصی القادم و الشارقة وقصائد آخری را می‌توان نام برد.

سعید معتوق شاعر نوظهور معاصر از جمله این شاعران است او در سروده‌هایش به این مؤلفه‌ها توجه ویژه‌ای داشته است و با توجه به اینکه شاعران این دوره در آگاه‌سازی اندیشه اسلامی جهان امروز و ایجاد ارتباط بین معارف دینی و فرهنگ و تفکر مردم از ذخیره ادبی بهره‌جسته‌اند سعید معتوق به عنوان شاعری دیندار نقش برجسته‌ای دارد و سروده‌هایش سرشار از مؤلفه‌های تاثیرگذار و ارزنده‌ای است چرا که شعرش با جملاتی بسیار روان و چینش کلماتی پر مفهوم که با قدم گذاشتن در مسیر عرفان و بندگی و خدا محوری و شکیبایی در برابر ظلم و ستم اندیشه جهان‌بینی

تازه‌ای را برای خواننده بازگو می‌کند. از این رو در این پژوهش سعی داریم مؤلفه‌های بیداری اسلامی در شعر سعید معتوق را تحلیل کنیم.

۲. بیداری اسلامی در لغت و اصطلاح

بیداری اسلامی: «در لغت کسی را از خواب برانگیختن، هوشیار ساختن، آگاه کردن» (عمید، ۱۳۸۲: ج ۱، ۴۰۱) اصطلاحی است که از دو کلمه بیداری و اسلامی ترکیب شده است که بیداری به معنای دانش و آگاهی و اسلامی به معنای مقید بودن به احکام و ارزش‌های دینی است و اصطلاحی است که از لحاظ مفهومی با سرو سامان دادن گرایش دینی و اسلام مربوط می‌شود و در زمینه تعریف بیداری نظرات مختلفی وجود دارد. «بیداری در فارسی، مترادف واژه‌های «الصحوه»، «الوعی» و «یقظة» در زبان عربی است» (دارابی، ۱۳۹۹: ۵) و در شکل‌گیری بیداری می‌توان گفت همچون تحولات بزرگ به دلایل مختلفی به وجود آمده است و هر چند زمان به سمت جلو حرکت می‌کند به شورش و انقلاب‌های جدیدتری می‌انجامد. بیداری اسلامی به صورت موجز و مختصر در نگاه آیت الله خامنه‌ای عبارت است از «ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی در ملت اسلامی که به صورت تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود» (بیانات، ۱۳۹۰) بیداری را می‌توان فراخوان ملت‌ها به جنبش علیه ظلم و ستم استعمارگران و متجاوزان و تلاش جهت جلب توجه مسلمانان به قوانین اسلامی و پیاده کردن آنها در زندگی برشمرد «این حرکت بزرگ نزدیک دو قرن است که به صورت گسترده رشد کرده و بر ما واجب است که به آن توجه کنیم» (اشکوری و زرمحمدی، ۲۰۱۴: ۵) «در واقع می‌توان زمانی را که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی مغرب زمین قرار گرفته و تحت سلطه استعمار در آمدند را سرآغاز بیداری مردم مسلمان و ملت‌های مشرق زمین دانست» (محمودی، ۱۳۹۸: ۲) و آن حقیقتی که نمی‌توان آن را در هر ملت مسلمانی نادیده گرفت بحث مربوط به فرهنگ و عقاید آن است که با بیداری ارتباطی تنگاتنگ دارد چرا که راز سعادت دینی و اخروی آن‌ها در این کلمه نهفته است. «بیداری اسلامی اغلب برنامه‌ها و اهداف خود را برای ساماندهی یک نظام اجتماعی، دینی و سیاسی تعریف کرده و از مسلمانان می‌خواهد که برای تامین سعادت جوامع اسلامی فداکاری نموده و از نظام اجتماعی دفاع کند» (النوروزی، ۱۳۹۵: ش ۱۳) و جامعه را به سوی رشد و پیشرفت بر مبنای اصول و دستورات اسلامی سوق دهد.

«از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی در جنبش بیداری را می‌توان بیداری ملت‌های مسلمانان و گسترش مبارزات جمعی آنان در برابر حکام داخلی و خارجی و استکبار جهانی و همفکری و همدلی جمعی نسبت به مسایل عمومی اسلام و مسلمین جهان؛ احیای هویت دینی ملت‌های اسلامی و احیای اخوت اسلامی میان همه مسلمانان جهان با



تکیه بر رهبری فردی فرزانه دانست» (ابراهیمیان سعید آبادی، ۱۳۹۲: ش: ۱۷) و این موضوع از موضوعات مهم در عصر حاضر است. شاعران زیادی تحت فضایی که در جوامع عربی خود مشاهده کردند با کمک شعر خود سعی در احیای اسلام در کشورهای خود کردند و در موضوعات بیداری طبع‌آزمایی کرده‌اند و آن را به عنوان موضوع اثر خود قرار داده‌اند از جمله شاعران عربی سعاد صباح، نزار قبانی، محمود درویش.

سعید معتوق به عنوان یک شاعر نوظهور شعرهایی در زمینه بیداری اسلامی برای بیان چالش و بحران‌های ملت اسلامی و تلاش جهت بازگرداندن اسلام راستین در این جوامع و کشورش سروده است. که در این سروده‌ها تعدادی از عناصر مقاومت و ندای بیداری اسلامی قابل توجه و تأمل است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

بخش تحلیلی

۳. مؤلفه‌های بیداری اسلامی

۳-۱. تمجید و توصیف شهادت‌طلبی

واژه شهادت در فرهنگ لغت دارای بار معنایی مختلفی است و قرآن کریم نیز راجع به این عمل خداپسند چنان می‌فرماید ﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ظَنِّ يَضِلُّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: آیه ۴) شهادت از نظر اصطلاحی نیز دارای معانی مختلفی است: ۱. «شهادت به وحدانیت خداوند و حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر خدا. ۲. شهادت به مفهوم کشته شدن در راه خدا» (مهتدی و بلاوی، ۱۳۹۳: ش: ۴) «واژه شهادت به قدری در جامعه اسلامی جایگاه یافته که هستی و تداوم حکومت اسلامی در گرو توسعه آن است» (نجفی، ۱۳۹۵: ش: ۲۵) شاعران معاصر به موضوع شهادت به عنوان زیر مجموعه ادبیات پایداری توجه ویژه‌ای دارند چرا که بسیاری از شاعران جنبش‌هایی را که در کشورهای عربی اتفاق افتاده خود از نزدیک نظاره‌گر آن بوده‌اند و برای تقویت این روحیه در مردم با زبان شعر به تمجید و ستایش آن همت گماشته‌اند سعید معتوق در این قسمت از شعرش این چنین مقام شامخ شهید را توصیف می‌کند و دیدگاه او نسبت به آن ریشه در آیات قرآن کریم و اعتقادات دینی شاعر بر می‌گردد.

بِمِثْلِكَ يَا شَهِيدَ أَمَانٍ دَارِي قَرِيرَ الْعَيْنِ مُرْتاحاً يَنَامُ
ف_____ رُبُّهُ _____ اهْ وَلَا

ترجمه: امنیت و آسایش و چشم روشنی‌ام از تو و امثال تو بوجود آمده ای شهید (یعنی به خاطر تو است که ما امنیت و آرامش داریم) / کینه دشمنان به بلندی آن (خانه‌ام) دست نمی‌یابند و هرگز خانه‌ام ویران نشود.

شاعر در این ابیات آرامش و آسایش در زندگی و وطنش را و مدار شهیدان می‌داند و آنها را همچون حصنی محکم تلقی می‌کند که با جانفشانی مانع حمله دشمن به سرزمینشان می‌شوند و آنها را افرادی توانمند و مقتدر بر می‌شمارد که با رشادتها و دلاوری‌ها توانسته‌اند در آینده تاریخ ملتشان نقش بسزایی ایفاء کنند و در قسمت دیگر از همین سروده:

فَهُمْ أَبَاؤُنَا وَبِهِمْ شَرَفُنَا	وَهُمْ فِي صَدْرِنَاهُضَاتِنَا وَسَامٌ
عَلَى رَأْسِ الْوَفَاءِ أَعَزُّ تَاجٍ	وَفِي كَفِّ الْمَلَا حِمِّ هُمٌ
إِذَا قَالُوا لَهَا دُورِي تَشَنَّتْ	وَدَارَتِ وَالْمُحَالُ
وَإِنْ لِلْخَيْرِ نَادَتْهُمْ بِلَادٌ	عَلَى
فَهُمْ لِلْخَيْرِ مَذْخُلِقُوا جُنُوداً	بِهِ يَقْظُ إِذَا مَـ

(همان، ۸۷)

ترجمه: آنان بزرگان ما هستند و عزت و شرف ما از آنهاست و آن‌ها پیشگامان (مدال) نهضت ما هستند/ آنها به عهد و وفا بهترین و گرامی‌ترند و در دست نبرد و شمشیری بران هستند/ اگر آنها را به نبرد بگویند دور بزن نبرد خود، از آنها هراسان می‌شود و خود را جمع می‌کنند و دور هستند (محال برای آن‌ها شدنی می‌شود) یعنی در دست آن‌ها انتقام و عذاب شدنی می‌شود/ اگر کشوری از آن‌ها مدد بجوید آن کشور گر چه در مریخ باشد آن‌ها می‌شتابند و پرچم خود را آنجا می‌زند/ آنان از روز ازل که خلق شده‌اند سرباز نیکی هستند یعنی همیشه بیدارند و وقتی مردم خوابند آن‌ها بیدارند و کارهای نیک انجام می‌دهند.

اشاره به بزرگ بودن مقام شهید دارد که در برابر ظلم و ستم ایستادگی کرده‌اند چرا که در مسیر حق گام برداشته‌اند و در همین راستا ایثار و از خود گذشتگی و دفاع و برگزیدن منفعت عموم بر مصلحت خود جهت حفظ امنیت همگانی و اعتقادات دینی تلاش کرده‌اند و در نبرد با اهریمن حق علیه باطل جنگیدند و با شهادت خود درس بیداری و شجاعت در برابر تهدیدات دشمنان و پرهیز از غفلت زدگی و تشویق به اعمال شایسته را به ما یاد دادند و با آوردن کلمه «المریخ» شاعر بر این نکته که توان آنها ستودنی و به زیر پا در آوردن جور و ظلم رهبران و ظالمان برایش به راحتی میسر و دست یافتنی است اشاره می‌کند.



و در بیت آخر با آوردن افعال «یقظی، ناموا» به صورت هنرمندانه به حضور همیشگی آنها در صحنه و آگاهی به اهداف پلید ظالمان اشاره دارد و سعی در هوشیاری و بیداری مردم دارد.

در این ابیات از دیوان نای «حیاتی» شاعر راجع به شهادت طلبی مردم عراق سخن می‌راند:

رَجَّالُ الْمَقَاوِمِ _____
 لَهْمُ مَنْطِقِ السَّيْفِ يَرُدُّ ظِلْمَ _____
 دِمَاؤُهُمْ _____
 تَحْتَهُ بِهَا الْأَرْضُ مَرْهُوَةٌ
 فَصَفُوفِ الْعِرَاقِ تَقْذِفُ _____
 لَمْ تَكُ _____

(معتوق، ۲۰۱۰ م: ۱۷)

ترجمه: مردان مقاومت آن مردان پایدار / مقاومت منطق آنها با دشمن شمشیر است / که خون‌های پاک بیگناهان / جلوی ظلم دشمنان را می‌گیرد (یعنی خون آنها جلوی ظلم دشمن را می‌گیرد) / با خون زمین را حنا بندان کردند / و با فداکاری و یورش به دشمنان ترس در دلشان می‌اندازند / و این خون‌ها به هدر ریخته نشده است.

این قسمت از شعر از روحیه قوی و شکست‌ناپذیر آنها صحبت می‌کند و با تحقیر مرگ عزم آنها در راه دفاع از ظلم و ستم می‌ستاید و شاعر با بکارگیری دو فعل «تحت و تقذف» به صورت مضارع بر اینکه شهیدان با جانفشانی، و ایثار خود و قدرت در مقابل ظالمان در زمین به صورت همیشگی جاودانه کردند و راه حق را راهی همیشه پیروز و نجات بخش برمی‌شمارد.

۲-۳. ملی‌گرایی و ستایش وطن

وطن و احساس تعصب نسبت به آن یکی از مؤلفه‌های بیداری اسلامی جایگاه منحصر به فردی در شعر معاصر دارد و اکثر شاعران از آن یاد کرده‌اند چرا که وطن به عنوان جایگاه خاطرات منحصر به فرد دوران زندگی شاعر و حوادث و شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول حیاتش در آن تجربه کرده یا خود شاهد مسائل روزمره آن بوده است. «عشق به وطن میلی طبیعی است که خداوند در بین مخلوقاتش قرار داده است به گونه‌ای که حتی حیوانات

نیز به محلّ زندگی خود گرایش غریزی دارند» (شریف پور و ترابی، ۱۳۹۳ش: ۳) علاقه و عشق به وطن دارای آثار بسیار مفیدی است «برخی از آثار وطن دوستی مشارکت در دفاع از میهن و هم میهنان، دلسوزی و حمایت از هم‌وطنان و عزّت و شرف آنان، و احساس مسئولیت در برابر تمامیت اراضی کشور، مسائلی هستند که با سرشت انسان عجین شده و از سوی اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است» (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۲۹) پس ملی‌گرایی و وطن دوستی می‌تواند در ارتقای ارزش‌های مختلف و تکامل آن ملت و حرکت به سمت جامعه‌ای با آرمان‌های والا و بیداری ملتش نقش مهمی داشته باشد. «وطن دوستی و احساسات ملی اگر در چارچوب مرزهای درست خود باقی بماند و تنها جنبه مثبت و اصطلاحی داشته باشد محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه یافتگی و منشأ تغییر و تحولات مثبت در زندگی انسان شده و موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنه و احسان و خدمت بیشتر به هموطنان و کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم» (میر جلیلی و دیگران، ۱۹۱۱: ۲۱).

سعید معتوق از شاعرانی است که وطن را به عنوان سرزمین مورد علاقه خود و محلّ خاطرات دوران کودکی بر می‌شمارد و با لحنی گیرا به ستایش، عظمت، استقامت، عزم و اراده ملتش می‌پردازد:

فِؤادِی تَغْنِی بِالْإِمَارَاتِ لَا یَرِی سَواهِ
 وَقَدْ أَرْضَعْتَنِي فِي فَمِّهَا كَانِ
 سَقَاهُ _____ وَسَهَّ
 فَصَّيَّرَ _____ تَـرَاهُ عَـيْـوُنُ

(معتوق، ۲۰۱۰م: ۵۲)

ترجمه: قلبم به نام وطنم (امارات) ترنم می‌کند و غیر از آن سرزمین عشق قلبی و ظاهری را ندیده است. / عشق امارات از بچگی به خوردن من داده است و عشق وطنم هرگز دروغ نبوده است. / خداوند وطنم را از عزّت سیراب کرد و در راه سازندگی سختی‌ها را از آن دور ساخت. / پس تخت سلطنت پس از بزرگی که چشمان مشرق و مغرب را به خود جلب کرده است.

شاعر عشق حقیقی و راستین خود را نسبت به وطن آشکار می‌سازد و در حق سرزمینش دعا می‌کند و خواهان سربلندی و سروری آن است و با آوردن دو کلمه «لشرق والغرب» بر گستردگی و وسعت و میراث فرهنگی موجود در آن اشاره می‌کند و منشأ آن را همت و عزم خستگی ناپذیر ملتش به حساب می‌آورد.



إِمَارَاتِي انْتِمَائِي الْآنَ يَشُدُّو
كُنَّ سِوَاكِ فِي حُبِّي حَرَامٌ
بِحَبِّهِ _____
وَلَمْ

(معتوق، ۲۰۱۶م: ۸۷ ۸۸)

ترجمه: ای امارات من وابستگی من به تو آهنگ من است گویا که عشق من جز بر تو حرام است/ به ریسمان خداوند چنگ زده‌ایم جمعیت ما هرگز متفرق نشود.

در این قسمت شاعر اصل و نسب خود را متعلق به کشور امارات معرفی می‌کند، و آن را می‌ستاید و از عشق خود به سرزمینش سخن به میان می‌آورد و خطاب به هموطنانش وحدت را رمز موفقیت و سربلندی آن‌ها می‌داند و آن را نمادی جهت هماهنگی و همبستگی می‌داند.

هِيَ نَجْمَةٌ لَهْدِي النُّوَادِي تَوْمِضُ
وَأَسْمٌ تَسَامِي رَوْنِقًا لَا يُخْفِضُ
فِي _____
أَرْضٌ _____
أَشْرَقَ _____
حَتَّى انْحَنَى _____
سُودَ الْقُلُوبِ وَ

(معتوق، ۲۰۱۶: ۵۵)

ترجمه: شارجه ستاره‌ای است که چراغ فروزان محفل‌هاست و نامی است که در آسمان «درخشیده» بالا درخشیده و سرازیر نخواهد شد در کرانه جوزا «ستاره جوزا» درخشش سرافراز است و ریشه‌هایش در همه دل‌ها می‌تپد./ سرزمین نیست که با دستی قدرتمند (عزم و کوشش) فجرش را می‌سازد و روزهایش در پیشرفت و ترقی بیدار می‌شود./ ای شارجه طلوع کردی (درخشیدی) با عشق طلوع کردی تا که سیه دلان سر تعظیم فرود آورند و از تعرض تو منصرف شدند.

شاعر قصیده‌ای را با عنوان شهر خود می‌سراید همان شهری که در آن پرورش یافته و آن را با جملاتی زیبا توصیف می‌کند و همچون ستاره‌ایی می‌داند، در واقع به حضور ادباء و شعرای این شهر در تمامی محافل و مقام بزرگ آن‌ها اشاره دارد و عشق و علاقه به آن را همگانی برمی‌شمارد و در بیت دوم با چینش کلمات «الجوزاء، جذور، نخلة، قلب» اوج احساس و دلدادگی نسبت به شهر محل سکونت و زادگاهش را بیان می‌کند. وبا چینش افعال «یخفض، تنبض،

تربص همگی دلالت بر پیروزی و پیشرفت و اقتدار آن دارد و محیط شهر خود را مهد فرهنگ و آثار و جاذبه‌های زیبا و میراث گرانبها می‌داند و رسیدن به مجد را فقط در این سرزمین می‌بیند و هویت آن را در عرصه‌های علم و ادب برتر می‌شمارد.

۳-۳. ستیز قاطع با ستم و ستم‌گر

در قرآن کریم اشاره‌های بسیاری در خصوص دشمن ستیزی و مقابله با ستم و ستمگر به صراحت اشاره شده است در سوره بقره ﴿لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۷۹) نه ستم کنید و نه زیر بار ظلم بروید خلاصه می‌شود و با نگاهی عمیق در آیات قرآن در می‌یابیم که سیره انبیاء در رابطه با ظلم ستیزی همیشه و همه جانبه در راه هدایت مردم جریان داشته و ادامه خواهد داشت. «قیام برضد ظالمین و مستکبرین جهان در تمام ادیان آسمانی طریقه انبیاء الهی بوده است به طوری که ابتدا به شناسایی فرهنگ آنان سپس به مبارزه با آن بر می‌خواستند» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۰) و این مبارزه در طول زندگی در این کره خاکی به شیوه‌های مختلف بشر با آن رو به رو بوده است «دشمن، همیشه در صدد است تا نیروی دفاع کننده طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد» (پور فاضلی، ۱۳۹۵: ۱۵۰) شاعر، شعر را به عنوان سلاحی سرد جهت بیان افکار جنگجویان هنگام مقابله با خشم و مبارزه، عصیان دشمنان داخلی و خارجی به کار گرفته است. مبارزه و ستیز به عنوان عاملی مهم در حوزه ادبیات مقاومت نقش مهمی در بیداری مسلمانان در کشورهای عربی داشته چرا که شاعران مقاومت در خلال بیان حقایق تلخ و مجاهدت‌های ملت‌های ستم دیده، کینه توزی‌های خود را با آن گره زده و با زبانی برنده خواسته‌ای واحد را همراه آن‌ها برای رسیدن به پیروزی پایدار ندا می‌دهند.

فَإِذَا أَحْقَادُ سَاحَقُكُمْ يَسِيرٌ إِذَا اسْتَهْوَاكُمْ مَعَنَا اصْطِدَامٌ

(معتوق، ۲۰۱۶: ۸۹)

ترجمه: ای کینه توزان اگر با ما روبه‌رو شوید شکست دادن شما برای ما آسان است

شاعر در این متن، دشمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد که در هنگام رویارویی کشورش با آن‌ها همگی به کام مرگ کشیده می‌شوند و ملتش را ملتی قوی و جنگجو توصیف می‌کند و به آینده آن‌ها با خوش بینی می‌نگرد و چیرگی آن‌ها بر ظالمان و تضعیف روحیه دشمن را حتمی می‌داند.

و در جایی دیگر از اشعارش به توصیف شرایط نامساعد عراق می‌پردازد و این چنین می‌سراید:

طغی



اَبُـ _____ اذیَّ
 وِعکَ _____
 وِعکَ _____
 تَمـ _____ ادی
 وِیهِـ _____ رِقُ
 لِیصِبـ _____ حَ نَهْرُ
 لَم یَرِ الْعُـ _____ رَبُّ
 وَلکَـ _____ نَ اَرْضَ
 اَتَسَطـ _____ وِ
 وَهـ _____ لَ لِلهِـ _____ وَا نَ تَأَقْلَمُ

(معتوق، ۲۰۱۰: ۱۷)

ترجمه: در عراق دشمن طغیان کرد/ اذیت گذشته را از بین برد / و به جای آن نشسته و امنیت را به هم زد/ و آب‌های آن را گل‌آلود کرد/ به فساد دست زد/ و از هرکسی که خوشش نیاید خون آن را می‌ریزد/ تا اینکه رودخانهٔ سومی پر از خون به جریان بیندازد / که هیچ شخص عربی ندیده غیر از سرزمین عراق/ ولی سرزمین عراق همیشه دارای آدم‌های مقاوم است/ آیا آن قدرت‌های دشمنان می‌تواند به سرزمین عراق حمله‌ور شود در صورتی که به خواب خوش بروند؟/ مردم عراق نمی‌گذارند که دشمن به خواب خوش برود آیا نفس فرد عراقی با ذلت سازگار است؟

در این قسمت شاعر به بیان آشوب و ناآرامی‌های دشمنان می‌پردازد و شرایط نامساعد زندگی اجتماعی، جنگ و خونریزی، فساد و ذلت‌هایی که دشمن ایجاد کرده سخن می‌گوید. اما ملت عراق را ملتی بیدار و مقام ترسیم می‌کند که به صورت همگانی با دشمن جنگیدند و در برابر فشار و آزار و اذیت دست از تلاش بر نخواهند داشت تا پیروزی، آزادی و امید به آینده‌ای روشن را برای خود رقم بزنند و با بکارگیری جملات پرسشی (أتسطو علیها قوی الاحتلال وتهنأ نوما؟ وهل للهوان تأقلم نفس العراقي یوماً) به نقش اتحاد و همکاری و همدلی آن‌ها تاکید می‌کند.

و در این قسمت از قصیده «بلادی» از دیوان نای حیاتی چنین ستیز و مقابله را به تصویر می‌کشد:

تَطَوَّرَ لِّلْعَالَمِينَ مَوَاقِبًا	أرادطموحُ الشعبُ بالأمس أن يرى
ولم ي_____	ف_____واصلَ
صَدَاهُ عَ _____	وص_____وتُ

(معتوق، ۲۰۱۰: ۵۲)

ترجمه: عزم و اراده ملت از دیروز خواست که عالم پیشرفتت را ببیند/ پس کوشش کرد و عزم همت راه کرد(قصد رفتن کرد) در پیشگامی ناکام نبوده است / صدای ما در افق‌های دنیا پیچیده و طنینش بر همه آسمان‌ها چیده شد(در هر محفلی عدالت را ندا می‌دهد)

با نگاهی عمیق در شعر این شاعر در می‌یابیم که شاعر با بیانی قوی، برنده و آوردن کلمات (الصدارة، الافاق) اوج هویت ملی، سرآمدی مردمان کشورش و دفاع قاطع آن‌ها را در مسیر پیروزی ندا می‌دهد و مقابله با ظلم را پیشه آن‌ها معرفی می‌کند چرا که در آن تبحر دارند.

۳-۴. خدامحوری

با نگاه کردن به این کلمه ذهن انسان ناخودآگاه به سمت این که سرچشمه و خالق تمام هستی و وحدانیت مطلق تنها خداست به ذهن خطور می‌کند. که معادل عربی آن در قرآن «الله» است. با توجه به این صفات می‌توان گفت «الله» سرچشمه تمام هستی است چرا که تمام عالم برای موجود شدن و بودن به وجود پایدار او وابسته است. محور در لغت «خطی که چیزی دوران دوران می‌کند» (عمید، ۱۳۸۳ ج ۲: ۱۷۷۳)

از این رو خدامحوری یعنی: یعنی تمام افعال و کردار انسان براساس دستورات سفارش شده در قرآن و معیارها و اصولی که مشخص کرده باشد. و فردی که خداوند را به عنوان مبنا و هدف زندگی خود بداند تمام تلاشش در جهت رضایت اوست و مسیرش را در تمامی ابعاد برای رسیدن به قرب الهی و جلب رضایت او خواهد بود زیرا می‌داند دلبستگی به این دنیا فانی و زودگذر است و دنیا محل جمع‌آوری توشه است و تمام تلاش خود را در بهره‌مندی از نعمت‌ها واستفاده صحیح از فرصت‌ها برای رسیدن به جایگاه عظیم به کار می‌بندد. سعید معتوق در ابیات زیر خداوند را به عنوان مدار و اساس هستی می‌داند و به توکل کردن به او در هنگام مصایب و شدايد دعوت می‌کند:

إِذَا ضَاقَ صَدْرُكَ مِنْ فَرَطٍ فَقِرِّ
تَرَاهُ أَمْرًا الْمَرَارَاتِ قَدْرًا



تَوَكَّلْ ل _____ ل
فَأَمَّا ل _____ لَّه

وَأَسْأَلُكَ ل _____ لَّه
مَع ل _____ لَّه

(معتوق، ۲۰۱۰: ۸۴)

ترجمه: هرگاه از شدت فقر به مقدار زیاد تلخی بچشی / بر خدا توکل کن و در دل خودت قرار بده و سعی و تلاش کن تا همه چیزهای سخت آسان شود. / مالکیت آسمان و زمین از آن خداست و اوست که از احوال ما دانایتر است.

از این ابیات زیبا چنین برداشت می‌شود که خداوند مالک هستی و دوام و بقای آسمان و زمین با قدرت لایزال اوست و عالم با وجود او معنا پیدا می‌کند، و این شعر با استشهاد به آیه (لله ملك السماوات والأرض وما فيهن وهو على كل شيء قدير) (مائده: آیه ۱۲۰) به این که مالک و اداره کننده جهان تنها خداست و توکل و اطاعت تنها از او کارساز است. و تنها با تکیه بر او در تمام مسائل و مشاکی می‌توان در مسیر صحیح و درست با ذهنی بیدار و پویا جهت رسیدن به مقاصد خود گام نهاد.

و در قسمتی دیگر چنین می‌سراید:

فَسَلِّمْ زَمَامَ الْأَمْرِ لِلَّهِ إِنَّهُ
حَكِيمٌ بِمَا أَبَدَىٰ بِدُنْيَاكَ حَاكِمٌ

(معتوق، ۲۰۱۰: ۹۰)

ترجمه: افسار کارهایت را تسلیم خداوند کن زیرا که او به آنچه در دنیای تو آشکار شده قدرت تصرف دارد.

توکل را به عنوان مسیر ارتباط بین خود و پروردگاش به حساب می‌آورد که می‌تواند نقش بسزایی در جهت‌بیداری و روشنفکری و آینده‌نگری داشته باشد.

مهمترین مؤلفه‌های خدا محوری در شعر معتوق عبارتند از:

الف- پرهیزگاری: با نام بردن از کلمه پرهیزگاری کلمه هم معنای آن تقوای پیشگی در ذهن ما مجسم می‌شود چرا که تقوا از ریشه وقی به معنای حفظ کردن است و هر دو یک بار معنایی را می‌رسانند. شاعر در این قسمت از خدای متعال طلب عفو و مغفرت می‌کند و برای قدم گذاشتن در مسیر کمال چنین می‌سراید:

فَرَحْمَةً لِّكَ رُبِّي

فانک _____ ک

(من یتق الله _____ ق الله

ویرزق _____ ه من

(معنوق، ۲۰۱۰: ۱۰)

ترجمه: پس رحمت کند تو را مهربانترین بخشاینده‌گان/ پس تو در کتابی آشکار به ما گفتی/ هر کس تقوای الهی پیشه کند / از جایی که گمان نمیکنی روزی می‌دهد.

شاعر با بکارگیری آیهٔ سورهٔ طلاق همانطور که در تفاسیر مختلف بیان شده بر تقوای پیشگی و پرهیزگاری در کارها همراه با تلاش و کوشش برای گشایش در مشکلات و رفع گرفتاری‌ها استفاده کرده است. و در آیات زیادی از قرآن به موضوع تقوا اشاره شده و خداوند مؤمنان را به قبول و بکارگیری آن در زندگی فرا می‌خواند تا از ارتکاب گناه و معصیت مصون بمانند و بتوانند به راحتی در مسیر بندگی و هدایت و امر معاش از طریق حلال گام بردارد زیرا خداوند بخشنده است و از جایی که بنده‌اش فکر نمی‌کند روزی و رزق برایش فراهم می‌کند.

ب- توحید باوری: توحید در لغت به معنای یکتا قرار دادن، خدا را یگانه دانستن و به یگانگی خدا ایمان آوردن (عمید، ۱۳۸۳ ج ۱: ۶۳۵) و در اصطلاح بدین معنا که خداوند یگانه بوده و شریک و همتایی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۱۰) و اینکه او خالق هستی است و انسانی که از درون خود به این باور برسد همیشه خود را در پیشگاه خداوند تصور می‌کند و سعی می‌کند که مرتکب گناه نشود و زندگی خود را براساس دستورات الهی بنیان می‌کند.

شاعر در این قسمت از شعر خود از زبان هابیل چنین می‌سراید:

ف _____ ی

وه _____ و خبز

ب _____ ثَّ

النَّق _____ ا

(معنوق، ۲۰۱۰: ۱۵)



ترجمه: ایمان به خدای متعال در خون من جاری است/ و اوست غذای روحم بلکه بگو که خداوند، شش‌هایم به وسیله آن نفس می‌کشم / و در جانم جوانی و زیبایی و پاکی و عشق و صفا می‌دمد.

همانطور که در این قسمت شعر مشهود است هابیل ایمان را جان‌مایهٔ نفس خود برمی‌شمارد که گویای معرفت قلبی او در مسیر شناخت خالق هستی است و همراهی خداوند را با خود عاملی در ایجاد طراوت و مصداق زندگی‌ای با نشاط و با صفا می‌داند چون هر کس به توحید اعتقاد داشته باشد به معرفت حقیقی دست یافته و تنها اندیشه‌اش جلب رضایت خداوند و حرکت در مسیر مستقیم و عبودیت اوست و این مسیر در واقع خود بیداری است.

و در قسمتی دیگر هنگام غلبهٔ غم و دردها چنین می‌سراید:

لما رأيتُ ظروفَ العيشِ قاسيةً	وبسمةُ العيشِ صارت ما لها أثرُ
لَمَّا	وَصَارَ لِي لَيْلِي
غَسَّ	كُلُّ الْهَمِّ مِمْ
يَلْتُ	وَمِمْ وَزَالَ

(معتوق، ۲۰۱۰: ۸۱)

ترجمه: وقتی شرایط زندگی را سخت دیدم و از لبخند زندگی اثری نمانده است/ و وقتی قلب من سیاه و غریب گشت و شب من در اثر بی‌خوابی به درازا کشید/ با عشق خدا قلبم را شستم پس تمام غمها دور شد و سختی و ناراحتی‌ها زدوده شد.

شاعر ابتدا تمام سپه‌روزی‌ها و ناکامی‌ها و شرایط بد زمانهٔ خود را با غم و گرفتاری‌ها بیان می‌کند و در پایان از عشق درونی خود نسبت به معبود را یادآوری می‌کند و تحت تاثیر این گرایش فطری قرار می‌گیرد و آن را راه‌گشا در مسیر ناملایمت و سختی‌ها می‌داند.

۳-۵. بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات دینی

نماد در معنا یعنی یک واژه یا عبارت در غیر معنای اصلی آن برای اینکه بیان مضمونی تازه و مؤثر را برای خواننده بیان کند. «در ادبیات معاصر، ظهور و بروز مکاتبی که گرایش خاص به ابهام دارند توجه به نماد پردازی را افزون کرد» (رسولیان آرانی و مباشری، ۱۳۹۹: ۱) و از این حیث بیان نمادین در شعر معاصر تلاشی در جهت رخنه در تصوّرات و معانی فرهنگ لغات مختلف است و شناخت مفهوم آن‌ها دارای تعریف و تفسیر خاصی نیست و براساس

فضا وجهتی که موضوع متن است ما می‌توانیم مفهوم آن را استنباط کنیم. «با نگاهی به شعر معاصر دانسته می‌شود که شعر این دوره از ظرفیت‌های نهفته در کلمات در راستای ساخت نماد، بهره فراوانی برده است» (بایقوت، ۱۳۹۵: ۷) به همین دلیل شعر هر شاعری براساس ایده و افکار، روحیات و فضایی که قصد به تصویر کشیدن آن را دارد تجلی می‌یابد شاعر که زمینه اصلی اشعارش مسایل دینی، اجتماعی، احساسات شخصی اوست که گاهی اوقات با توجه به فضای ایجاد شده در شعرش به صورت نمادین آن‌ها را بیان می‌کند. در این قسمت از شعر خود، شهید را با نمادهای زیبایی توصیف می‌کند:

خُلِقَتْ مِنَ الشَّمُوحِ فَكُنْتَ نَجْمًا يُوَلِّوُلُ حِينَ يَلْقَاهُ الظَّلَامُ
إِذَا مَــا الْأَرْضُ فَلَمَّا

(معتوق، ۲۰۱۶: ۸۶)

ترجمه: ای شهید تو از آن سربلندی و از مجد آفریده شده‌ای پس ستاره‌ایی درخشان در تاریکی‌ها شدی و تاریکی را می‌شکافی / اگر زمین سست شود تو مانند کوه استواری «به بقیه کاری نداری» و از آتشفشان کوه‌ها نمی‌ترسی. آمدن فعل مجهول «خُلِقَ» نقش و حضور مؤثر شهید را پر رنگ جلوه می‌دهد و در این قسمت شهید را نماد روشنایی و سلوک و مسیر منحصر به فرد او را در میان افراد جامعه می‌ستاید که سعی در بیداری همگانی دارد و در بیت بعدی او را نماد کوه می‌داند چرا که کوه خود اسطوره مقاومت، جاودانگی و اقتدار است که دلالت بر سخت‌کوشی شهید در این مسیر دارد.

در قسمتی دیگر از اشعارش این چنین بیان می‌کند:

كَمَا النَّخْلُ عِشَ فِي قَسْوَةِ الْجَدْبِ أَخْضَرًا وَكُنْ فَرَقْدًا لِلنَّيِّرِينَ مُتَمِّمًا

(معتوق، ۲۰۱۶: ۱۱۵)

ترجمه: همانند یک درخت نخل علاوه بر قسوت و نبود آب در بیابان بدون گیاه زندگی کن و همانند خورشید و ماه برای دیگران راهنما و روشن کننده راه باش.

درخت نخل از بین درختان دارای ویژگی‌های خاصی است و در طول تاریخ به عنوان درختی مقدس در آیات قرآن کریم و احادیث از آن نام برده از جمله سوره‌های مریم، یس، کهف و انعام به آن اشاره شده است و شباهت زیادی با



انسان دارد زیرا در صورت هر آسیبی از ناحیه سر از بین می‌رود و در برابر شرایط جوی مقاوم است شاعر در این قسمت از شعر بر مقاومت در مسیر جهاد و دفاع تاکید می‌کند و مردم را به گام نهادن در آن فرا می‌خواند و با قرار دادن نخل در این بیت که خود نماد مقاومت، استواری و تجلی عظمت و وقار است و خورشید و ماه را پیام‌آور حقیقت و عدالت و نمایان‌گر بیداری، سرزندگی و هدایت یک ملت می‌خواند، زیرا وجودش برای ادامه حیات تمام کاینات روی کره خاکی نیاز است.

شاعر در این قسمت با اشاره به داستان حضرت ابراهیم چنین می‌سراید:

تَخَوْضُ عِبَابِ نَارِ الْحَرْبِ صَبَّأً كَأَنَّ النَّارَ بَرْدٌ أَوْ سَلَامٌ
تَرْسُومٌ تَرْفُوفٌ

(معتوق، ۲۰۱۶: ۸۵)

ترجمه: تو در میان آتش جنگ حمله‌ور می‌شوی گویی آتش به اذن خداوند بر تو(اشاره به داستان حضرت ابراهیم (ع) دارد) سرد می‌شود/ و در آسمان سرافرازی طلوعی را رسم می‌کنی که کبوترهای شاد در آن مژده دهنده بال می‌زنند.

در این قسمت با یادآوری داستان حضرت ابراهیم (ع) و آتشی که نمرود برای مجازات کردن حضرت ابراهیم (ع) بر افروخته بود و و هیزم این آتش به مدت چهار ماه جمع آوری شده بود به اذن خداوند عزوجل در قوله ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ (انبیاء: ۶۹) ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش اشاره دارد. این تلمیح به همراهی همیشگی و یاریگری مستمر خداوند با شهیدان را بیان می‌کند و در بیت بعد کبوتر را می‌توان نماد آزادی و عشقی دانست که شهید با جانفشانی خود برای بیداری یک ملت به ارمغان می‌آورد.

نتیجه

با شروع جنبش‌های بیداری روزبه‌روز به اهمیت آن در نزد ادیبان بخصوص شاعران به عنوان فعالان در میدان با سلاح زبان در جامعه درگیر به پا خواستند و همت خود را جهت بیان اندیشه و جایگاه امت عربی در برابر دیگر

ملت‌ها به کار گرفتند تا جهان را نسبت به شرایط خفقان زده و ظلم و ستم و عدم توجه به مسایل دین و دینداری بیدار سازند از جمله شاعر نوظهور سعید معتوق که راهکارهای او در این زمینه اینچنین می‌توان خلاصه نمود که عبارتند از:

- خدا محوری از جمله بارزترین مولفه‌هایی به‌شمار می‌آید که معتوق در اشعارش با بکارگیری آیاتی از قرآن کریم بر آن تاکید کرده و توانسته آمت‌های مسلمان را به زندگی تحت تدبیر خداوند و دوری از ارتکاب گناه دعوت کند.

- شهادت طلبی هم یکی دیگر از عنوان‌های بارزی است که معتوق توانسته آن را به صورت گسترده و با بیانی زیبا به توصیف و رشادت‌های شهیدان در میادین نبرد و پرواز آن‌ها به سوی عالم ملکوت به صورت عاشقانه در اشعارش منعکس کند.

- وطن در دیدگاه شاعر یعنی مکانی که از بدو تولد در آن زندگی می‌کرده و به عنوان مهد تفکر و فرهنگ در شعرش تجلی یافته است.

- ستیز قاطع با دشمن در نگاه شاعر تنها در کشور خود، امارات خلاصه نمی‌شود بلکه به بیان مصایب و مشکلاتی که دشمن بر علیه کشورهای اسلامی بخصوص عراق ایجاد کرده اشاره می‌کند و آمت‌های اسلامی را در این راه آمتی مقاوم و پایدار به حساب می‌آورد.

- او در سروده‌های خود با بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات دینی دید آیندگان را نسبت به ادامه مسیر بیداری و درک درست نسبت به موضوعات مطرح شده در قرآن و جهان اسلام را بیان می‌کند.



منابع

قرآن کریم

ابراهیمیان سعید آبادی معصومه (۱۳۹۲) «مولفه‌های جنبش بیداری از منظر آیات و روایات» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آذربایجان دانشکده الهیات، ایران.

اشکوری، عدنان، سعید زرمحمدی (۱۳۹۳ ش) «المظاهر الصحوه الإسلامیه فی آثار فاروق مسرحیه الخدیوی ودماء علی أستار الکعبه» جویده مجله إضاءات نقدیه (فصلیه محکمه)، العدد ۱۶: ۹۶-۶۹.

بایقوت اصغری، یوسف، (۱۳۹۵ ش)، «تحلیل انواع نماد در شعر نو» یازدهمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج و زبان و ادب فارسی .

حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۰/۶/۲۶). مراسم اجلاس بین المللی بیداری اسلامی [سخنرانی].

دارابی، علی (۱۳۹۹ش) «النهضة و فرآیند بیداری اسلامی در تونس؛ از اسلام‌گرایی در مبارزه تا تجربه عملی حکومت داری» فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱: ۱۳۹-۱۱۱.

رسولیان آرانی، صدیقه، محبوبه مباشری، (۱۳۹۹ش) «درآمدی بر انواع و چگونگی کاربرد نماد در شعر دفاع مقدس» ماهانه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۶: ۲۳۳-۲۱۳.

سخنرانی‌ها

شریف پور، عنایت الله علی حسن، ترابی (۱۳۹۴ش)؛ «وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدس» نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۳: ۱۸۳-۱۵۹.

محمدی، روح الله، (۱۳۹۱ش) «بررسی ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری در سیره انبیاء از منظر قرآن کریم» فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۵: ۴۵-۳۴.

محمودی، اعظم، (۱۳۹۸ش) «بررسی جنبش‌های بیداری اسلامی با رویکرد آسیب‌شناسانه» فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بیداری، شماره ۱۶: ۱۳۵-۱۱۳.

معتوق، سعید، «دیوان الشارقة وقصائد أخرى» الإمارات العربیة المتحدة، دائرة الثقافة والإعلام، ۲۰۱۶م.

معتوق، سعید، «دیوان نای حیاتی» الإمارات العربیة المتحدة، وزارة الثقافة والشباب وتنمة، ۲۰۱۰ م.
موسویان حمیده السادات (۱۳۸۹) «حبّ وطن از دیدگاه قرآن و سنت» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد
دانشکده الهیات میبد، ایران.

مهتدی، حسین، رسول، بلاوی (۱۳۹۳ ش) «بن‌مایه‌های شهادت در اشعار علامه سید محمد حسین فضل الله»
مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۳: ۱۴۳-۱۱۹.

میر جلیلی، محمد، کمال صحرائی اردکانی، حمیده سادات موسویان، (۱۳۹۱ ش)؛ «وطن دوستی از دیدگاه قرآن
و روایات» فصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، شماره ۵: ۳۵-۷

نوروزی عبد الصاحب (۱۳۹۵ش) «بررسی و تحلیل ساختار و مضمون شعر عربی بیداری اسلامی (دهه
شصتی‌ها)» پایان‌نامه دکتری دانشگاه رازی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ایران.





A Research on the concepts of Islamic Awakening in saeed Matuq poems

Mahvash Hayati¹ Rasoul balavi² Mohammad Javad Pourabed³ Ali Khezri⁴

Abstract

contemporary poets Have devoted some of their poems to subject of Islamic Awakening. One of the issues that is being Considered globally and especially by the Islamic countries and societies is the accurate know edge of The dimentions of the Islamic Awakening as a new thought that has been brought up in recent decades. Said Matuq is among the new and contemporary poets who has used poem as an expressive literary Genre to express his thoughts and ideas and to learn the Islamic Awakening as a valuable goal in his Society. He has used xeffective concepts which based Very on original values and explanation of national identity will smooth the way of Moslem people to eternal happiness or hereafter bliss. This research answers the question of which concepts exists in the Emirati poet Saeed Matuq which are positive for comprehensively streng thening of Awakening movement in the history of Islamic civilization. for this purpose the descriptive analytical method used on he has been able to successfully reflect the political and social mood of his people and the other Islamic countries in the path to worship and awakening and anti-colonialism.

Keywords: contemporary literature Islamic Awakening. Arabic poem , Saeed Matuq.

¹ . Master student in Persian Gulf University, Bushehr, Iran // hayatimh1400@gmail.com

² . Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr , Iran // r.ballawy@pgu.ac.ir (**Corresponding author**)

³ . Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr , Iran.//m.pourabed@pgu.ac.ir

⁴ . Associate Professor, department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran//alikhhezri@pgu.ac.ir